

**یادداشت روز**

## اولویت اقتصاد در سیاست و شکل گیری توانالتاریسم

جواد شقاقی – روزنامه نگار

مساله اصلی این یادداشت این است که چرا عرصه سیاسی در طی دو قرن اخیر اکثراً در انحصار مباحث اقتصادی قرار گرفته است؟ و آنچه که به عنوان مفروض در نظر گرفته شده این است که، همیشه به واسطه این مساله، یعنی در اولویت قرار گرفتن موضوع اقتصاد برای سیاست، برخی جریان‌های توتالی‌تری و افرادی با گرایش‌ات غیر دموکراتیک توانسته‌اند از انزوا و سرخوردگی گروه‌های تهیدستی که در اثر ایرادات مدرنیته بوجود آمده‌اند، استفاده نموده و قدرت را در دست بگیرند؛ همان چیزی که در برخی از جنبش‌های فاشیستی مثل مورد حزب ناسیونال سوسیالیسم در آلمان و مورد هیتلر مشاهده می‌کنیم یا در سطحی کوچکتر آنچه که درباره رییس دولت‌های نهم و دهم ایران شاهد بودیم.

اهمیت مساله این نوشتار در مورد ایران نیز از آنجایی نشأت می‌گیرد که پس از اتمام کار دولت اصلاحات که دغدغه‌هایی در خصوص برخی ارزش‌های انسانی داشت و به موضوعاتی همچون توسعه سیاسی و اهمیت آزادی در جامعه می‌پرداخت، ما هم‌زمان در اولویت قرار گرفتن مباحث اقتصادی در سیاست و به روی کار آمدن برخی گرایش‌های توتالی‌تری می‌ریخیم.

آنگونه زیست جمعی‌ای که ما از آن به عنوان جامعه یاد می‌کنیم، تنها صرف کرد هم آمدن عده‌ای نسبت نیست بلکه زمانی می‌توان به گردهمایی انسانها نام جامعه را اطلاق نمود که این افراد دارای یک سری روابط با یکدیگر باشند. این افراد می‌توانند دارای روابط متنوع و گسترده‌ای با هم باشند که رابطه اقتصادی تنها می‌تواند چیزی از این روابط باشد نه کل آن. مضاف بر این و مهمتر از آن، نیاز به تعدادی قواعد و اصولی هست که این روابط را تنظیم کنند. ارزش‌های انسانی و اصول اخلاقی مهمترین عواملی هستند که می‌توانند این روابط را تنظیم کنند تا یک جامعه بتواند به بقای خود ادامه دهد. وگرنه در صورت نبود برخی ارزشها و اصول اخلاقی، در کنار هم قرار گرفتن تعدادی انسان نه تنها نمی‌تواند سومند باشد، بلکه می‌تواند جامعه‌ای شبیه به جامعه ماقبل سیاسی هاین را پدید آورد. آنچه که ما در طول یکی دو قرن اخیر می‌بینیم، این است که عرصه سیاسی اکثراً در انحصار مباحث و موضوعات اقتصادی قرار گرفته است و سایر روابط انسانی و مهتر از همه اصول و ارزشهای انسانی به فراموشی سپرده شده‌اند.

در مورد این که قلمرو سیاست تا کدام حوزه‌های حیاتی اجتماعی و فردی باید کشیده شود و موضوعات مورد بحث سیاست کدام مسائل انسانی باید باشند، بین مکاتب و نظریه پردازان سیاسی مختلف، اختلاف نظر وجود دارد. لیبرال‌ها خطی بین جامعه مدنی و حوزه سیاست می‌کشند. آن‌ها حوزه سیاسی را تنها معطوف به دولت و فعالیت‌های آن می‌دانند، و جامعه مدنی را از یک طرف عرصه‌ای برای علاق فردی و فعالیت‌های شخصی افراد می‌دانند که باید فارغ از مداخلات دولت باشد و از طرفی دیگر آن‌ها هم به عنوان مجرای جهت انتقال خواسته‌ها و مطالبات جامعه از دولت، و هم به عنوان ضربه‌گیری در برابر فشار دولت بر جامعه مطرح می‌کنند.

هر چند که در نظریه‌های این افراد به وضوح به آن اشاره نمی‌شود اما در تحلیل نهایي از دستگاه نظری آنها می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سیاست نَسَد آنان اصالتی برای خود ندارد. یا به بیان بهتر، هیچ موضوعی را نمی‌توان موضوع اصلی سیاست در نظر گرفت؛ سیاست فقط معطوف به ماشین دولت است اما اینکه چه موضوعاتی را باید پیگیری کند، لیبرال‌ها در مورد آن سکوت اختیار می‌کنند. اگرچه آنان در نظریات خود سیاست و اقتصاد را از همدگر جدا می‌کنند و برای هر یک حوزه‌ای جداگانه در نظر می‌گیرند اما ناگفته پیداست که وقتی برای سیاست هیچ موضوعی اصالت ندارد، آنچه که دست‌ور کار سیاست را تعیین می‌کند همان جامعه مدنی‌ست. جامعه مدنی حوزه‌ای مستقل از دولت است که افراد در آن حوزه، فعالیت‌های مختلف و علاق خود را در قالب تشککل‌ها و گروه‌ها پیگیری می‌کنند و از مجرای آن بر جهت‌گیری‌ها و دست‌ور کار دولت تأثیر می‌گذارند، نکته‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا یا اینکه جامعه مدنی که جایگاه انواع فعالیت‌های گروه‌ها و تشکل‌های عقیدتی و صنفی و سایر دغدغه‌های انسان‌هاست یا می‌یابست که اینچنین باشد، در نهایت آنچه از مجرای آن در دولت منتقل می‌شود و از آن خواسته می‌شود، تنها دغدغه‌ها و مسائل اقتصادی‌ست؟

هاذا آرئت اندیشمندان سیاسی منتقد مدرنیته، پاسخخ به این مساله این است که، در تفکر سیاسی یونان باستان اقتصاد مقوله‌ای مربوط به مرحله ماقبل سیاسی و در زمره امور منزل بود و سیاست در مرحله‌ای بالاتر مقوله‌ای مربوط به حوزه عمومی به شمار می‌رفت که شهروندان در آنجا به صورت آزادانه به مسائل اجتماعی می‌پرداختند. اما در مدرنیته پای موضوعات اقتصادی به حوزه عمومی کشیده شده و عرصه را برای کنش آزاد انسانها تنگ کرده است. او دلیل این امر را سر‌خوردگی گروه‌های تهیدست جامعه از مناصب و مشکلات مدرنیته می‌داند که برای رفع مصائب خود، خواسته‌ها و مشکلات اقتصادی خود را به صورت‌های گوناگون ( با انقلاب و یا با جنبش‌های توتالی‌تری) به حوزه عمومی و سیاسی می‌آورند. به همین جهت آرنت از دولتهای مدرن می‌خواهد تا به تسهیل کردن مسائل معیشتی و اقتصادی شهروندانشان و رهایتن آنها از ضرورت‌های اقتصادی، آن‌ها را برای حضور در حوزه عمومی آماده سازند. پیداست که آرنت نیز علیرغم نقدی که بر گسترده شدن سایه اقتصاد بر فراز سپهر عمومی و سیاسی دارد، همچنان دولت را مکلف به پیگیری مطالبات اقتصادی مردم می‌کند.

اینکلهارت یکی دیگر از اندیشمندان غربی با اشاره به مفهوم جوامع پسامادی چنین اظهار نظر می‌کند که، در جوامعی که از دغدغه‌های معیشتی انسانها کاسته می‌شود، گونه‌ای دیگر از شکافهای اجتماعی برای مردم مهتر جلوه می‌کنند که می‌توان از آنها به عنوان شکافهای فرهنگی و پسامادی نام برد. اما در پاسخ باید گفت که آیا اساساً در جوامع مدرن حدی برای پیشرفت اقتصادی و رفاه مادی تعیین شده است که شهروندان با رسیدن به آن احساس آسودگی و فراغت داشته باشند؟ سوژه‌های مدرن دیالما به طوری در معرض تبلیغات کاذب جهت پیشرفت مادی و مصرف محصولات تولیدی قرار دارند که نمی‌توان فراغتی را برایشان متصور شد.

یورگن هابرماس دیگر اندیشمندان علوم اجتماعی و منتقد مدرنیته، برای حل این مساله ، از مفهوم حوزه عمومی استفاده می‌کند. حوزه عمومی هابرماس مابین جامعه مدنی و حوزه سیاسی قرار دارد. از نظر هابرماس جامعه مدنی جایی‌ست که افراد در آن منافع خصوصی خود را دنبال می‌کنند اما وقتی حوزه عمومی وجود داشته باشد، افراد در آنجا فارغ از منافع شخصی، با کنش کلامی ایده‌آل درگیر بحث و مباحثه در خصوص مسائل عمومی می‌شوند و بدین ترتیب حقیقی که در خصوص مسائل عمومی و جامعه شکل می‌گیرد، حقیقی بین‌الذات‌های خواهد بود. از نظر هابرماس این حوزه عمومی در اوایل مدرنیته در غرب و در مکان‌هایی مانند کافه‌ها و فضاهای عمومی وجود داشت اما بعداً با گسترش فعالیت‌های آبیاری به همه زمست‌گاه‌های انسانی و تجدید عقلانیت‌های ارتباطی و رهایی‌بخش توسط آن، این حوزه عمومی از بین رفت.

انتقاداتی نسبت به طرح حوزه عمومی هابرماس وجود دارد. از جمله اینکه افراد با منطق و عقلانیت‌های متفاوت چگونه می‌توانند باهم وارد بحث در خصوص مسائل مشترک شوند. اما آنچه که به مساله این نوشتار مربوط می‌شود این هست که یا چه مکانیزمی اشخاص دارای ذهنیت‌های فردگرایانه خواهند توانست در حوزه عمومی فارغ از منافع فردی و ارزش‌های خاص منطق خودشان به مباحثه در مورد مسائل عمومی بپردازند.

به نظر نگارنده پاسخ مساله اصلی این یادداشت را باید در مفهوم پرسونا‌های مدرن جستجو کرد.پرسونا‌های مدرن به عنوان پرسونا‌های آمیزه که دارای هویت فردگرایانه هستند، مطرح می‌باشند در مقابل پرسونا‌های ماقبل مدرن که دارای هویتی جمعی هستند و خود را وابسته به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، تعریف می‌کنند.

افراد در جوامع مدرن با هویت‌های فردگرایانه‌شان مدام دنبال منافع فردی‌شان هستند و منافع جمعی و ارزشهای اجتماعی برایشان چندان مهم نیست. به همین خاطر است که با وجود جامعه مدنی که افراد می‌توانند در آنجا انواع علق و خواسته‌های خود را دنبال کنند، تنها منافع فردی و مهمتر از همه، منافع اقتصادی برایشان مهم است. اما اینکه چگونه می‌توان ذهنیت فردگرایانه را اندکی تعدیل کرد، باید گفت که ذهنیت‌ها بر روی نهادهای شکل می‌گیرند و جهت شکل‌گیری ذهنیت‌های جمعی نیاز به یکسری نهادهای جمعی مانند احزاب به شکل کلاسیک آن یا احیای دوباره برخی نهادهای سنتی از پیش موجود هست.

امروز جامعه ایران با مشکلات اجتماعی زیادی روبرو است که حل آنها نیاز به حرکت‌های جمعی دارد و حرکت‌های جمعی میسر نمی‌شوند مگر با ذهنیت‌های جمعی. امروز جامعه ایران در حال خالی شدن از ارزش‌های اجتماعی است و جامعه بدون ارزش‌های جمعی، جامعه‌ای در حال فروپاشی‌ست.

لذا برای اجتناب از این مساله و نیز اجتناب از در اولویت قرار گرفتن مسائل اقتصادی در حوزه سیاسی و متعاقب آن استفاده برخی جریان‌های توتالی‌تر از گروه‌های محروم جهت دستیابی به قدرت، ما نیاز به هویت‌های جمعی داریم تا بواسطه آن موضوعات دیگری از قبیل ارزش‌های اجتماعی و سایر دغدغه‌های انسانی از قبیل آزادی و… هم جزء موضوعات مورد بحث در حوزه سیاست باشند.

## دیدار جلیلی با رئیسی

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام امروز با کاندیدای ریاست جمهوری دوازدهم دیدار و گفتگو کرد.
به گزارش مهر، سعید جلیلی با حجت الاسلام سیدابراهیم رئیسی کاندیدای ریاست جمهوری دوازدهم دیدار و گفتگو کرد.

سعید جلیلی برای انسجام نیروهای انقلابی از حضور در رقابت های انتخابات ریاست جمهوری انصراف داد.



E-mail: mostagheldaily@gmail.com

سیاسی

تحلیل روز

## تجدید دوران سیاه با بزرگ و آرایشی اخلاقی

امیر مقدرود شهوود

حکـم ابراهیم رئیسی برای نیکنـزاد حاوی نکاتی چگونگی فعالیت انتخاباتی این کاندیدای ریاست‌جمهوری بود. رئیسی در این حکم گذشته از برگزیدن نیکنزاد به عنوان ریاست ستاد انتخاباتی خود، برخی اصول و مواضع خود را تبیین می‌کند. در ذیل این اصول همراه با تحلیل آن ارائه می‌شود:

–بایندی به اصول اخلاق اسلامی و رعایت قانون در تمامی مراحل انتخابات

–تبیین و بسط گفتمان کار و کرامت در فضای عمومی جامعه

–استفاده فراگیر از نیروهای مؤمن، باشا‌طا، توانمند، جوان و خوش‌نام مردمی

–تلاش جهت ایجاد وحدت گفتمانی و عملی میان همه دل‌سنگان به نظام فارغ از اختلاف سلیقه‌ها –حفظ آرامش و بهرزی از تنش و هرگونه سیانمایی و تخریب نامزدهای دیگر

–استفاده از نظرات و رهنمودهای علما، فرهیختگان و نخبگان علمی، فرهنگی ملی و استانی

–مراقبت جدی بر عدم استفاده از بیت‌المال و اموال عمومی

–بهرزی از اسراف و تبذیر در تبلیغات انتخاباتی و استفاده از روش‌های نوین، ابتکاری و کم‌هزینه

–حفظ و رعایت احترام، کرامت و حقوق مردم در تمامی اقدامات و برنامه‌های انتخاباتی

–استفاده از فرصت فعالیت انتخاباتی بعنوان عملی عبادی، مخلصانه و تعالی‌بخش برای فعالین و اعضای ستادها

امید است سرانجام کار، رضایت خاندان متعال و گره‌گشایی از مشکلات مردم باشد؛ توفیق شما را در این مسیر از حضرت حق خواستارم.

مفاهیم کلیدی موارد فوق عبارتند از: اخلاق – بسط گفتمان کار و کرامت – نیروهای خوش نام مردمی – فارغ از اختلاف سلیقه‌ها– آرامش – عدم تخریب و سیاه نمایی– نخبگان علمی – مراقبت از اموال عمومی – حفظ و رعایت احترام.

با دقت به جملات رئیسی متوجه می‌شویم که اصول و خواسته‌های ایشان تفاوت چندانی با گفته‌های محمود احمدی نژاد ندارد. وجه تمایز اصول رئیسی با گفتار احمدی نژاد همین مفاهیم کلیدی است. تاکید بر روی اخلاق ، عدم تخریب دیگران و حفظ آرامش جامعه و دیگر واژه‌ها نشان می‌دهد که رئیسی و اطرافایش سعی دارند تفاوت خود با احمدی نژاد را با این عناوین بارز نمایند. وقتی تاکید رئیسی بر روی وجه تفاوت را در کنار افراد حاضر در ستاد وی قرار می‌دهیم، به این نکته می‌رسیم که ایشان و مشاورانش قصد دارند از همان راه‌های دولت نهم و دهم سود جویند. احتمالاً ایشان به این نتیجه رسیده که عدم توفیق احمدی نژاد، بی توجهی وی به مفاهیم کلیدی فراموش شده است. یعنی الگوی وی برای رئیسی تکرار همان ساز و کار احمدی نژاد همراه با زینت اخلاقی است. چنین وضعیتی بسی موجب نگرانی است. اگرچه یکی از مهمترین ضعف‌های احمدی‌نژاد عدم توجه او به اخلاق و ایجاد شوک‌های وی بر پی به بدنه اجتماعی بود، اما این تنها ایراد کاری وی نبود. آنچه که مورد احمدی‌نژاد را به دوران سیاه تاریخ ایران بدل کرده، عدم توجه به اصول و مبانی سیاست‌تورزی در عرصه داخلی و خارجی است. احمدی‌نژاد فارغ از این اصول سعی کرد کلیه نظم های جاری را نادیده گرفته و با روش‌های انتزاعی و خلق اساعه مملکت را به سمت ویرانی هدایت کند.

همانطور که بارها از سوسی دولتمردان شنیده‌ایم وسعت تخریب اقتصاد کشور در دوران وی به حدی است که آوار برداری از آن با گذشت چهار سال به اتمام نرسیده است. از سوسی دیگر رانت وفساد دوران احمدی‌نژاد بیش از آنکه منوط به بی اخلاقی یا احتمالاً رویه بیجانی ایشان باشد ناشی از راهمایی افرادی بی تجربه و فاقد صلاحیت به بدنه دولت بوده است. این موارد نشان می‌دهد که روش‌های احمدی‌نژاد با واژه های اخلاقی نمی‌تواند مشکلات ناشی از رویه وی را بر طرف کند.

تأ اینجایی کار با نگاهی که افراد حاضر در ستاد رئیسی مشخص می‌شود که وی قرار است با نیروهای خوش به فرمان احمدی‌نژاد رویه احمدی نژاد را پی گیرد. این موارد حاکی از این است که احمدی‌نژاد با آن همه مضرات که دامن کلیه سطوح سیاسی را گرفته سعی دارد با شکل و شمایی نوین مجدداً به عرصه‌ی سیاسی کشور باز گردد. باید توجه داشت که این موارد نشان می‌دهد که روش‌های احمدی‌نژاد فقط شامل همین مفاهیم کلیدی فوق است؟ آیا احمدی نژاد اخلاقمند تمام آن چیزی است که به دنبالش هستید؟ فراموش نکنیم گفتمان احمدی‌نژاد با محوریت عدالت اجتماعی شکل گرفته است.

بدیهی است مضرات و زیان‌های احمدی‌نژاد بیش از هر چیز دامن همین مفهوم مقدس را گرفته است. امروز عدالت اجتماعی برای اکثریت جامعه به طنز و فکاهی شی می‌باشد.

روسیه سیاست باید در نظر داشت که عدم موفقیت در پوییش برای عدالت اجتماعی فقط یک شکست سیاسی نیست. عدالت اجتماعی و مفاهیمی حاصل از آن دست ، بیش از آنکه یک ابزار سیاسی باشد چابن بار اخلاقی و آرمانی است. لذا شکست این سیاست‌ها نه تنها موجب تنزل اخلاق در جامعه شده بلکه امید و آرمان را نزد مردم کمرنگ می‌نماید.

هزینه کردن از اعتبار سرمایه‌هایی چون سیدمحمد تاحمی به پسای کاندیدایی‌های که حاصل فرآیندهای انتخابی غیرشفاف و صرفاً نتیجه‌ی سهم‌خواهی‌ها از قدرت‌اند، در میان مدت نه تنها به فتح صندوق‌های رای نمی‌انجامد، بلکه منجر به نابودی سرمایه‌ی اجتماعی «اصلاح‌طلبی» که میراث عزیز تمامی زنان و مردان شریف و فداکار و اصلاح طلبان حقیقی تاریخ معاصر ایران است، خواسته‌های خود را به عنوان مطالبات مشترک و حداقلی بدنه‌ی اصلاح طلب برای انتخابات شورای شهر اعلام می‌داریم:

۱. اعلام نام افراد حقیقی و حقوقی ششورای انتخاب‌کننده‌ی فهرست مشترک اصلاح‌طلبان
۲. تبیین و تشریح معیارهای انتخاب افراد، نحوه‌ی وزن دهی به آن‌ها و چگونگی کمی سازی این معیارها
۳. شفاف سازی فرآیند انتخاب و آرای افراد منتخب

۴. عدم تداخل منافع اعضای شورای انتخاب‌کننده با نامزدهای فهرست واحد
همان‌گونه که در انتخابات گذشته، بدنه‌ی اجتماعی اصلاح طلبان نهایت همراهی خود را ثابت کرده است، این بار برای پاسداری از مرام اصلاح طلبی، نگرانی خود را از بی‌توجهی شورای سیاست‌گذاری اصلاح طلبان به این مطالبات حداقلی اعلام می‌داریم که نتیجه‌اش در کوتاه مدت کاهش اعتماد عمومی و ریزش آرا و در بلند مدت به مراتب سنگین‌تر خواهد بود. با اینحال همچنان به عقلایت، صداقت و توجه به سرمایه‌های اجتماعی در این شورا امیدواریم و منتظر پاسخ شایسته و به هنگام شما می‌مانیم تا با گذر از این مرحله بار دیگر با هم این مسیر تاریخ ساز را ادامه دهیم.



سر قدرت‌طلبی با آن همراه شده‌اند و هرگز در مقابل این حرکت نمی‌ایستند. در دوران حاضر و در غیاب احزاب واقعی و گروه‌های مستقلی که انتخابات را به روح دموکراسی نزدیکتر می‌کنند، به فهرست‌های توصیه شده‌ی ششورای سیاست‌گذاری اصلاح طلبان اعتماد کرده‌ایم تا با وحدت هرچه بیشتر توانیم به نتیجه مورد نظر در انتخابات برسیم. با این حال بدیهی است که آرای ما به این فهرست در ادوار گذشته، نه از سر اعتقاد همه جانبه به افراد و با رضایت خاطر کامل، بلکه از سر ضرورت و باور به تغییرات اصلاحی هرچند ناچیز بوده است؛ انتخاب‌هایی‌نه ایده‌آل یا افتاد. واقعیت این است که «دوقطبی کردن فضای انتخاباتی» به عنوان تنها راه چاره برای رای آوری فهرست پیشنهادی در هر دوره از انتخابات کمتر از پیش منتج به نتیجه می‌شود و استفاده‌ی مکرر از استدلال‌هایی از جنس «انتخاب بین بدو بدتر» به روندی تکراری فرساینده و نومیدکننده تبدیل شده است.

جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور:

# تهران آمادگی دارد کریدور خلیج فارس – دریای سیاه را فعال کند

شرکت های دنیا است. همچنین آمادگی داریم برق تولیدی گرجستان را به کشورهای نیازمند اطراف ایران صادر کنیم.عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی نیز با اشاره به مطالبی در خصوص کریدور خلیج فارس ـ دریای سیاه خواستار بازنگری در موافقت نامه های پیشین در حوزه ی حمل و نقل هوایی و حمل و نقل ریلی شد. همچنین حمید چیت چیان وزیر نیرو در این نشست خواستار استفاده از ظرفیت های موجود برای تبادل برق میان دو کشور شد و گفت: معاون اول رئیس جمهوری اضافه کرد، سریع ترین زمان توافق نامه های پیشین را اجرایی کند.

مبادلات تجاری و گسترش مناسبات اقتصادی نیازمند تکمیل زیرساخت ها هستیم اما نباید کارها تا زمان تکمیل زیرساخت ها متوقف شود و باید برای فعالیت و توسعه همکاری‌های اقتصادی گام برداریم.وی اظهار داشت: کریدور دریای سیاه گرجستان و وزارت راه و محدودیت‌های گرجستان را باید در انتخابات، بی‌اعتمادی حاصل از آن، چون سمی مهلک به جان پایگاه اجتماعی اصلاح طلبی خواهد افتاد. واقعیت این است که «دوقطبی کردن فضای انتخاباتی» به عنوان تنها راه چاره برای رای آوری فهرست پیشنهادی در هر دوره از انتخابات کمتر از پیش منتج به نتیجه می‌شود و استفاده‌ی مکرر از استدلال‌هایی از جنس «انتخاب بین بدو بدتر» به روندی تکراری فرساینده و نومیدکننده تبدیل شده است.

معاون اول رئیس‌جمهوری از آمادگی تهران برای فعال سازی کریدور ترانزیتی خلیج فارس – دریای سیاه خبر داد و گفت: کشورهای بزرگی همچون چین، هند و مالزی تمایل دارند از این مسیر جایگزین استفاده کنند. به گزارش ایرنا، استحاق جهانگیری این مطلب را پیش از ظهر شنبه در مذاکرات مشترک هیات های عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران و گرجستان، بیان کرد. وی یکی از زمینه های اصلی همکاری میان ایران و گرجستان را ترانزیت کالا دانست و اضافه کرد: مسئولین دو کشور تا کنون چند دور مذاکره در خصوص این کریدور داشته اند

معاون اول رئیس‌جمهوری از آمادگی تهران برای فعال سازی کریدور ترانزیتی خلیج فارس – دریای سیاه خبر داد و گفت: کشورهای بزرگی همچون چین، هند و مالزی تمایل دارند از این مسیر جایگزین استفاده کنند. به گزارش ایرنا، استحاق جهانگیری این مطلب را پیش از ظهر شنبه در مذاکرات مشترک هیات های عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران و گرجستان، بیان کرد. وی یکی از زمینه های اصلی همکاری میان ایران و گرجستان را ترانزیت کالا دانست و اضافه کرد: مسئولین دو کشور تا کنون چند دور مذاکره در خصوص این کریدور داشته اند

معاون اول رئیس‌جمهوری از آمادگی تهران برای فعال سازی کریدور ترانزیتی خلیج فارس – دریای سیاه خبر داد و گفت: کشورهای بزرگی همچون چین، هند و مالزی تمایل دارند از این مسیر جایگزین استفاده کنند. به گزارش ایرنا، استحاق جهانگیری این مطلب را پیش از ظهر شنبه در مذاکرات مشترک هیات های عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران و گرجستان، بیان کرد. وی یکی از زمینه های اصلی همکاری میان ایران و گرجستان را ترانزیت کالا دانست و اضافه کرد: مسئولین دو کشور تا کنون چند دور مذاکره در خصوص این کریدور داشته اند

## پروژه حمل و نقلی ایران طرح‌های روسیه را به خطر می‌اندازد

ВЗГЛЯД
ДЕЛОВЯЯ ГАЗЕТА

الکا سامو فالوا-وزگلیاد-روسیه

**پروژه حمل و نقلی ایران طرح های روسیه را به خطر می‌اندازد**

«نفوذ روسیه در دریای سیاه رو به تقصیف است. احتمال دارد که در مجموع، روسیه موقعیت خود را به عنوان ارسال‌کننده اصلی در این منطقه از دست بدهد». کارشناسان در ارزیابی از پروژه حمل و نقل ایران در راستای ارسال محمولات به اروپا، به چنین جمع بندی هایی دست یافته اند. گفتنی است که ارمنستان، یکی از متحدان نزدیک روسیه، در این زمینه به سودهایی دست می‌یابد، اما خود روسیه بازنده خواهد بود.

تهران احداث کوریدور حمل و نقلی میان خلیج فارس و دریای سیاه را به گرجستان پیشنهاد کرده است. محمد جواد طریف، وزیر امور خارجه ایران، که روز دوشنبه، برای اس سفر دو روزه ی عازم گرجستان شد، در این خصوص سخن گفت.

به گفته او، «در صورت احداث این کوریدور، امکانات وسیعی فراهم خواهد شد و نرخ حمل و نقل بسیار کاهش پیدا خواهد کرد». اما، برای تحقق این تفکر تهران، «همکاری گرجستان، ایران، ارمنستان و آذربایجان ضروری است».

در سال گذشته، بحث و بررسی های پیرامون احداث کوریدور حمل و نقلی که خلیج فارس را به دریای سیاه متصل خواهد کرد، آغاز شد. تهران می‌خواهد، با دور زدن آذربایجان، ترکیه و روسیه، مسیر جایگزینی را برای ارسال محمولات به اروپا احداث کند. گفتنی است که این مسیر از ارمنستان و گرجستان خواهد گذشت و سپس، از طریق دریا، به بلغارستان، دروازه اصلی اروپا، خواهد رسید. و بعد از آن، می‌توان کالاها را به یونان و حتی، به ایتالیا ارسال کرد. تمامی شرکت کنندگان بالقوه از این پروژه حمایت کرده اند. بلغارستان با تبدیل بندر وارنا و بورگاس به نقطه ورودی کشتنی های ایرانی موافقت کرده است. در صورت احساس ضرورت، بلغارستان حتی، برای احداث ترمینال های ویژه ای نیز آمادگی دارد. زیرا، علاقه اروپا به بازار در حال گشایش در خاور نزدیک کمتر از علاقه ایران به شبه جزیره بالکان نیست. افزون بر آن، در آینده، احتمال دارد که بازارهای جدید – عراق و سوریه (بعد از پایان جنگ) نیز به این کوریدور ملحق شوند و همچنین، ملحق شدن هند و عمان نیز محتمل است.

ایران که از اعمال تحریم راه‌های یافته، تصمیم گرفته است، ارمنستان را به عنوان یار اصلی خود برای حمل و نقل کالاهایش انتخاب کند. مسیر مد نظر: از مغزی – واپوتس – دزور – یراسنج و سپس، از طریق خط راه آهن تا بندر پوتی در گرجستان و از آنجا، از طریق دریای سیاه به بندر بلغارستان است.این مسیر می‌تواند جایگزین واقعی مسیر کنونی برای ارسال کالا‌های ایران از طریق آذربایجان و ترکیه شود. لیدیا گیوارگیووا، محقق مرکز مطالعات یورو آسیا، در مقاله خود خاطر نشان می‌کند: نخست این که این مسیر راحت تر است. مسیر جدید ۶۰ کیلومتر کوتاه تر است و طبعاً، هزینه ارسال کالا از طریق آن نیز کمتر خواهد بود. علاوه بر آن، در مرز با ترکیه همواره صف وجود دارد.دوم، عوامل سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کنند. ایوان آندریفسکی، معاون اول رئیس اتحادیه مهندسان روسیه، خاطر نشان می‌کند: «ظاهراً، ایران راحت تر می‌تواند با ارمنستان و گرجستان به توافق برسد و از وابستگی اش به ترکیه نیز کاسته شود که رقیبش در منطقه است و روابطش با آن در برخی از مسائل